

وقتی خدا پارتی یک کودک کار می‌شود#۴۷؛ گفت‌وگو با روحا... زمانی برنده جایزه بهترین بازیگر جشنواره ونیز

روحا... زمانی اعتراف می‌کند در گذشته به دنبال دزدی، قلیان و... رفته چون آدمی بی هدف بوده است اما دیگر با لحن کوچ و بازاری صحبت و مثل گذشته زندگی نمی‌کند و حتی دیگر کودک کار نیست. او خدا را شکر می‌کند که مسیر زندگی خود را پیدا کرده است و می‌تواند از طریق بازیگری امرار معاش کند. او بیشتر وقتش را با مطالعه، فیلم دیدن و آموزش بازیگری می‌گذراند و مشغول بازی در سریال «عاشورا» با موضوع زندگی شهید باکری است.

به گزارش سایت خبری پرسون، روحا... زمانی اعتراف می‌کند در گذشته به دنبال دزدی، قلیان و... رفته چون آدمی بی هدف بوده است اما دیگر با لحن کوچ و بازاری صحبت و مثل گذشته زندگی نمی‌کند و حتی دیگر کودک کار نیست. او خدا را شکر می‌کند که مسیر زندگی خود را پیدا کرده است و می‌تواند از طریق بازیگری امرار معاش کند. او بیشتر وقتش را با مطالعه، فیلم دیدن و آموزش بازیگری می‌گذراند و مشغول بازی در سریال «عاشورا» با موضوع زندگی شهید باکری است.

روحا... زمانی، بازیگر نقش «علی» در فیلم «خورشید» مجید مجیدی در نخستین قدم های بازیگری اش توانست جایزه بهترین بازیگر نوظهور جشنواره ونیز ۲۰۲۰ را از آن خود کند. او اکنون کلاس هشتم و اهل اردبیل است و به اکبر عبدی افتخار می‌کند اما در بازیگری می‌خواهد آن قدر بدرخشد و پیشرفت کند که در آینده او را الگو قرار دهند. گفت و گوی خراسان را با این بازیگر نوجوان و نوظهور سینمای ایران بخوانید.

این روزهای تان چگونه سپری می‌شود؟

مشغول بازی در سریال «عاشورا»ی هادی حجازی فر هستم و قرار است در نمایشی به نام «آئینه های برعکس» هم بازی کنم.

به چه دلیل برای بازی در نقش نوجوانی شهید «خسرو ملازاده» در این سریال انتخاب شدید؟

محمد عسکری دستیار و برنامه ریز فیلم «خورشید» مرا به این پروژه معرفی کرد و به آقای حجازی فر گفت که به درد نقش می‌خورم.

برای شناخت نقش تان چه کردید؟

هادی حجازی فر برای نقش شخصیت های شهید قصه، می‌خواست به لحاظ چهره عین همان قیافه ها را پیدا کند که استعداد داشته باشند و بازیگر چهره هم نباشند. او درباره نقش شهید خسرو ملازاده توضیحاتی به من داد که چه شخصیتی داشته، در گذشته چگونه زندگی کرده و چه اتفاقاتی برای این شهید در جنگ رخ داده است. همچنین درباره این که پای او در فوتبال شکست و دوست نزدیک شهید باکری بود، توضیحاتی داد. به خودم گفتم باید نقش را جوری بازی کنم که وقتی هم سن و سالانم به تماشای سریال می‌نشینند، آن را درک کنند.

از دوران کودکی به بازی علاقه داشتید یا به طور اتفاقی وارد این حرفه شدید؟

زمانی که پنج ساله بودم، به بازی علاقه داشتم. در آن مقطع این اندازه گوشی تلفن همراه نبود. دایی ام تلفن همراه داشت و از او تلفن اش را می‌گرفتم و کنار دیوار می‌گذاشتم و جلوبیش بازی می‌کردم و پسر دایی ام هم آن را تدوین می‌کرد، کلی لذت می‌بردم و دوست داشتم عمرم در این کار بگذرد. وقتی ۱۱ ساله بودم، گریموری در محله ما زندگی می‌کرد، از او پرسیدم چگونه می‌توانم بازیگر شوم؟ او گفت که حتماً باید پارتی داشته باشم و خدا پارتی من شد.

خدا چگونه پارتی تان شد و برای بازی در فیلم «خورشید» مجید مجیدی انتخاب شدید؟

چند ماه بعد از صحبت های گریمور محله مان، تیم آقای مجیدی به مدارس کل ایران رفتند و تست گرفتند. به مدرسه ما هم آمدند و من هم پیش مجید آذرنک تست دادم که گفت یک هفته دیگر خبر بگیر. آن ها به کل ایران رفته بودند و طبیعی بود که در یادشان نمانم. شبانه روز زنگ می‌زد تا این که پاسخ تلفنش را داد و گفتم همانی هستم که گفتید بهترین تست را دادی، یادش آمد و گفت به فرهنگسرای بهمن بیا. آن جا که رفتم مملو از بچه بود، متعجب شدم. به دلیل تعداد زیاد از هر ۱۸ نفر داخل اتاقی تست می‌گرفتند. دستمال یزدی و کاپشن خلبانی ام را روی دوشم انداخته بودم و داخل رفتم، از بین ۱۸ نفر یک نفر انتخاب می‌شد که انتخاب شدم. احساس کردم خدا آن لحظه به من نگاه کرد.

پس به آرزوی تان رسیدید و مسیر زندگی تان تغییر کرد.

اعتراف می‌کنم در گذشته به دنبال دزدی، قلیان و... رفته بودم چون آدمی بی هدف بودم که کار می‌کردم، کودک کار بودم و باربری می‌کردم. کل محله شماره مرا داشتند و برای توزیع تراکت به من زنگ می‌زدند تا این که خدا مسیر زندگی ام را تغییر داد. اکنون آن هایی که مرا می‌شناسند به من قوت

قلب می دهند و راضی هستند که توانستم پرچم سربلندی برای بچه های کار باشم. وقتی به مترو می روم، بیشتر بچه های کار مرا می شناسند و می پرسند چگونه بازیگر شدم؟ آن ها طوری حرف می زنند که انگار نمی توانند به آرزوی شان برسند.

درآمد بازیگری تان قابل قبول است تا دیگر کودک کار نباشید؟

الحمدلله. اگر دستمزدش را هم نداشتم، دوباره سراغ کار سابقم نمی رفتم چون برای خودم هدف دارم. اکنون کلاس هشتم هستم و به کلاس های بازیگری می روم. چهار ماه سعی کردم حرف زدنم را تغییر دهم و کوچه بازاری صحبت نکنم. الان کتاب هایی همچون شازده کوچولو و نمایش نامه های ویلیام شکسپیر را می خوانم. سقراط جمله خوبی دارد: «آن کس که بداند که نداند، از همه داناتر است». آقای مجیدی با لطف بزرگ خود مرا در مسیر درستی هدایت کرد.

در نخستین قدم بازیگری تان جایزه جشنواره ونیز را برای بازی در «خورشید» دریافت کردید.

بیشتر از این خوشحالم که بچه های کار می بینند که پیشرفت کرده و جایزه جهانی ونیز را گرفته ام و امید می گیرند. البته برایم مهم نیست که جایزه گرفتم، چون به مسیرم فکر می کنم و اگر بخواهی به جایزه فکر کنی، برای آدم مثل سرعت گیر است.

حتما ناراحت شدید که به دلیل ابتلا به کرونا، برای دریافت جایزه تان نتوانستید در جشنواره ونیز شرکت کنید؟

در حقیقت ناراحت نشدم. خوشحال شدم که تلاشم را کردم و نرفتم تا اشتیاقم بیشتر شود و دفعه بعد هم بتوانم جایزه بگیرم، اگر آن مقطع برای گرفتن جایزه می رفتم، برایم عادی می شد. دوست دارم با یک کار خوب مثل فیلم آقای مجیدی دوباره جایزه بگیرم و بدرخشم.

دوست دارید سوپرستاری مثل محمدرضا گلزار شوید یا بازیگر حرفه ای و کاربلدی همچون پرویز پرستویی و نوید محمدزاده؟

دوست دارم روح ا... زمانی باشم و آن قدر در این حرفه بزرگ شوم که بقیه بگویند دوست دارند روح ا... زمانی باشند. علاقه دارم به جایی برسم که به فقرا و کودکان کار کمک کنم و دست شان را بگیرم.

مردم اردبیل شما را می شناسند؟

خیابانی در اردبیل است که وقتی به آن جا می روم همه مرا می شناسند و به من افتخار می کنند. بیشتر افرادی که در سینما و تلویزیون موفق هستند، ریشه شان اردبیلی است. اعتقادم این است که هیچ کس به اکبر عبدی نمی رسد و افتخار می کنم که او همشهری ام است.

پس الگوی تان در بازیگری اکبر عبدی است؟

واقعاً الگویم خودم هستم چون دوست دارم موفق شوم.

در یک سال اخیر علاوه بر سریال «عاشورا»، چه کاری انجام دادید؟

برای سن و سال من نقش کم است و چون بازیگر فیلم «خورشید» هستم، اندکی انتظارات بالا رفته و کرونا هم بیشتر کارها را تعطیل کرده است و من هم در خانه مانده ام. البته برای فیلم خانم پوران درخشنده تست دادم اما نمی دانم چرا پروژه خوابید!

نویسنده : مریم ضیغمی

منبع: روزنامه خراسان